

# عکس ببینیم عکس بگیریم

ترجمه‌ی مهسا قباپی

در این صفحه، آنچه برایم جالب بود، تباین رنگی ایجاد شده میان رنگ قرمز پرده‌های چهارخانه و رنگ آبی صندلی‌ها بود. می‌خواستم عکسی داشته باشم که در آن قدرت رنگ‌های آبی و قرمز یکسان و معادل هم باشد؛ البته برای پرهیز از ایجاد تقارن نصف به نصف در تصویر، به جای عکاسی از روبه‌رو، زاویه‌ی دیدی را انتخاب کردم که بتوانم، بخشی از دیوار را هم در کار خود جای دهم.



### ترکیب بندی

مهم‌ترین رکن در شکل‌گیری يك تصویر، ارتباط میان اجزای تصویر یا ترکیب بندی آن است. افراد بی‌تجربه از منظره یاب دوربین، مانند دوربین تفنگ شکاری استفاده می‌کنند و آن را ابزاری برای هدف‌گیری سوژه یا موضوع اصلی و اولیه، آن هم در وسط کادر، بدون در نظر گرفتن دیگر عناصر موجود در محیط که احتمالاً می‌توانند به بیان عکس کمک کنند، [می‌دانند]؛ یعنی به جای مشاهده‌ی دقیق و کامل و سپس تصمیم‌گیری، فقط آنچه را در منظره‌یاب دوربین پیدا می‌کنند، به عکس تبدیل می‌کنند.

### مشاهده

شاید پیدا کردن مرزعه‌ای از شقایق که قرمزی آن با درخشش خاصی از دوردست نیز پیدا است، کار سختی نباشد؛ اما قطعاً آنچه عکاس را جذب این منظره کرده، فقط رنگ گل‌ها نبوده است؛ بلکه ردیف درختان و منظره‌ی تپه‌های دوردست در پس‌زمینه‌ی تصویر هم بوده است. (تصویر ۱)

### تفکر

من در کنار مزرعه مشغول قدم زدن شدم؛ به‌طوری که بتوانم، تپه‌های دورتر را نیز در دیدرس داشته باشم؛ البته جای خورشید و نوری که بر صفحه می‌پاشد نیز بسیار مهم بود.

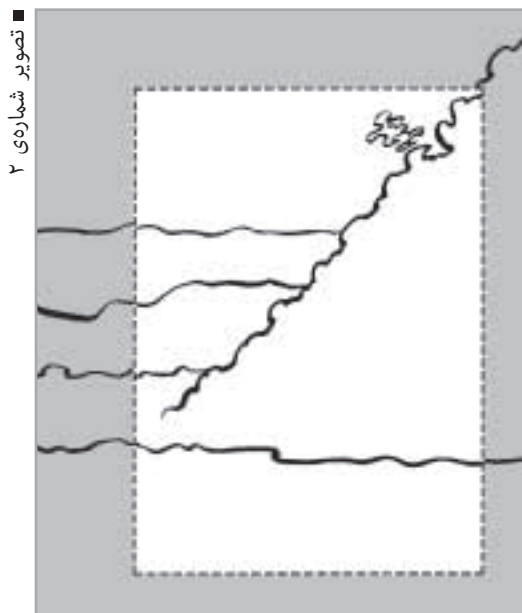
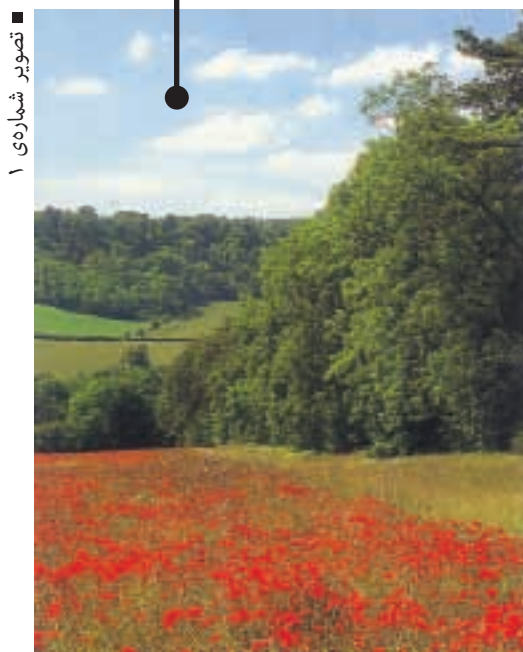
زاویه‌ی دوربین به‌گونه‌ای باید انتخاب می‌شد که نور مناسب و زیبایی را در تصویر بنمایاند. سرانجام وقتی به زاویه‌ی دید مناسب رسیدم، همه‌ی آنچه را می‌خواستم، در کادر خود داشتم. انبوه شقایق با پس‌زمینه‌ای از درخت‌ها و تپه که در نور مناسب خورشید می‌درخشیدند.

### تصمیم‌گیری

تصمیم گرفتم که در کادر تصویر خود، سه ردیف رنگ داشته باشم. يك ردیف آبی آسمان، يك ردیف، سبزی درختان و تپه‌ها و يك ردیف، سرخی شقایق‌ها. برای رسیدن به چنین چیزی، کادر عمودی را انتخاب کردم و از لنز تله‌زوم استفاده کردم تا بتوانم طوری این منظره را کادربندی کنم که هر يك از این سه رنگ سهمی معادل یکدیگر در عکس داشته باشند. از يك فیلتر قطبی شده<sup>۱</sup> نیز برای تقویت رنگ آبی آسمان و افزایش خلوص رنگ قرمز شقایق‌ها، کمک گرفتم.

### طراحی با رنگ

یکی از اثرگذارترین ویژگی‌های تصاویر جذاب و چشم‌گیر، استفاده‌ی دقیق عکاس از رنگ‌هاست. عکاسان کم‌تجربه، بیشتر در این دام می‌افتند که تصور می‌کنند که هر سوژه یا منظره‌ای که پر از رنگ‌های مختلف است، عکس رنگی خوبی نیز خواهد شد؛ درحالی‌که معمولاً عکس آن به واقعیت نزدیک‌تر است. استفاده‌ی محدود از رنگ‌ها نتیجه‌ی بهتری می‌دهد.





### يك قانون كلي

موضوعاتی با رنگ‌های درخشان، مانند آنچه در این منظره از خیابانی در «جیپور» هند می‌بینید، در نور معمولی و خنثی بهتر دیده می‌شوند؛ بنابراین هوای ابری و گرفته یا سایه‌های وسیع برای تهیه‌ی عکس‌هایی با سوژه‌هایی غنی از رنگ، وقت مناسبی است. (تصویر ۳)

پی‌نوشت

Polarized .1

### مشاهده

وقتی این بنا و برج نزدیک به آن را در میان تاکستان دیدم، تصمیم گرفتم تصویری از هر دوی آن‌ها در یک کادر داشته باشم. صبح زمستانی ساکتی بود. از جایی که من ایستاده بودم، یعنی روبه‌روی درب اصلی بنا، برج در پیش‌زمینه‌ی کادر دیده می‌شد که چندان جذاب نبود. (تصویر ۴)

### تصمیم‌گیری

تصمیم گرفتم که به آرامی دور تا دور بنا رانندگی کنم و به زاویه‌ای دست پیدا کنم که بهترین کیفیت نور را داشته باشد. خوشبختانه در سمت دیگر بنا، شاهد نخستین پرتوهای خیرکننده‌ی آفتاب، روی دیوارها بودم. هم‌زمان برج را نیز در کادر خود داشتم.

### تصمیم‌گیری

چون فاصله‌ی زیادی از این مجموعه داشتم، تصمیم گرفتم از لنز تله‌زوم استفاده کنم؛ به این ترتیب می‌توانستم بخش‌های غیرلازم منظره و تاکستان را حذف کنم و هم‌چنین فضای کافی را در اختیار سوژه‌ی اصلی قرار دهم.

